

بررسی رابطه بین احساس حق به شهر و قانون‌گرایی (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد)

اکبر زارع شاه‌آبادی^۱، میثم غلامی^۲

چکیده

حق به شهر علاوه بر اینکه عضویت فعال شهری همراه با حقوق و تعهدات همگانی است شهر را مهم‌ترین لایه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری معرفی می‌کند که با به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای باز تولید روابط اجتماعی و قدرت، حق تملک فضا و حق مشارکت شهروندان را در شکل‌دهی به زندگی روزمره شهری مورد تاکید قرار می‌دهد و از این‌رو حق به شهر از بحث بر انگیزترین مباحث شهری و یکی از ملزومات زندگی شهری به حساب می‌آید. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین احساس حق به شهر و قانون‌گرایی می‌باشد. پژوهش حاضر به لحاظ روش اجراء، پیمایشی و از نظر زمان پژوهش، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش حاضر ۴۱۱۰۵۱ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد در سال ۱۳۹۷ بوده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۶۵ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری سه مرحله‌ای مورد بررسی قرار گرفت. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده که اعتبار آن از طریق، صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفته است. نتایج بدست آمده حاکی از این است که احساس حق به شهر و قانون‌گرایی در بین شهروندان یزدی از حد متوسط پایین‌تر بوده و بین احساس حق به شهر و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین با توجه به مدل رگرسیون، متغیرهای مستقل ۲۰ درصد از واریانس قانون‌گرایی را تبیین می‌کنند. **کلید واژه‌ها:** حق به شهر، رفتاری، شناختی، عاطفی، قانون‌گرایی.

a_zare@yazd.ac.ir

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسؤل)

meysam.gholami.1994@gmail.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

مقدمه

بررسی تاریخچه شهر نشینی در دنیا و تاثیرات شگرفی که بر زندگی انسان‌ها داشته، نشان از مهم بودن این پدیده می‌دهد. چرا که نظم و توسعه شهری همیشه به عنوان یک مسئله اساسی در مقابل انسان‌ها ظاهر شده و در نتیجه تابعی از بستر اجتماعی - فرهنگی جامعه محسوب می‌شود. بی‌شک شهرها به دلیل امکانات گسترده و متعددی که برای انسان‌ها فراهم می‌کنند، بسیار حائز اهمیت بوده‌اند چرا که اساس تحولات اجتماعی در دوران معاصر از بستر همین شهرها شروع شده است.

یکی از مهمترین تحولات اجتماعی جهان در یک قرن اخیر بخصوص در کشورهای در حال توسعه، توسعه شهر نشینی است و به همین دلیل توجه به گسترش شهرها و اهمیت مطالعه و بررسی زندگی شهری و شیوه حق خواهی در شهر، مورد توجه قرار گرفته است. حق به شهر^۱ نوع دیگری از حقوق بشر به شمار می‌آید (هاروی ۲۰۱۲). حق به این که ساکنان شهر در تصمیم گیری‌های مربوط به فضاهای شهری در هر سطحی از تصمیم گیری که هستند، دخیل باشند (فنستر^۲، ۲۰۰۵). حق به شهر مستلزم تعریف حق دستیابی، نه تنها به آن چه در حال حاضر وجود دارد بلکه همچنین به باز تولید شهری با تصاویر متفاوت و تعریف خوانش‌های نو از شهر موجود است. از این رو حق به شهر رویکردی مبتنی بر جامعه، با هدف به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای باز تولید روابط اجتماعی قدرت تعریف می‌شود (دیک و گیلبرت^۳، ۲۰۰۲). حق به شهر، حق تغییر دادن خودمان از طریق تغییر دادن شهر است. به علاوه این، حقی عمومی و نه فردی است، چه این دگرگونی به طور اجتناب ناپذیری وابسته به اعمال نیروی جمعی در تغییر شکل دادن به روند توسعه شهری و نیز مطالبه و دستیابی به ضروریات زندگی و حقوق شهری است. به بیانی دیگر می‌توان چنین گفت که حق به شهر یک حق جمعی و عمومی است و به یک مکان معین مربوط

¹ - Right to the city

² - Fenster

³ - Dick & Gilbert

می‌شود که خود لفور^۱ آن را حق به زندگی شهری می‌نامد (جلائی و دیندار سنگجویی، ۱۳۹۴: ۲). نقطه آغاز نظریه پردازی درباره شهروندی تعریف این مفهوم است:

شهروندی شهری به معنای شناخت قانونی حقوق ساکنان شهر نسبت به شهر و مسئولیت آنان در قبال شهر است، به عبارت دیگر در شهروندی شهری ترکیبی از حق نسبت به شهر و مسئولیت در قبال شهر دیده می‌شود (شارع پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). به همین دلیل زندگی در شهر نیازمند الزامات و ویژگی‌های خاصی بوده که یکی از آن‌ها وجود نظم و قانون در جامعه است. که این امر باعث ایجاد ثبات در روابط اجتماعی و برقراری آرامش و امنیت اجتماعی می‌شود.

قانون‌گرایی در جامعه به منزله گرایش آگاهانه و داوطلبانه و ارادی اکثریت قریب به اتفاق مردم به قوانین و مقررات موجود و عمل به آن‌هاست (محسنی، ۱۳۸۸: ۲۰). قانون‌گرایی عبارت است از سطح رعایت هنجارهای رسمی در برآورد انتظارات فردی یا گروهی از طریق حق شناسی، انجام وظیفه، قانع بودن به حقوق خویش و عدم تعرض به مصالح گروهی و اجتماعی (علمی، ۱۳۸۵). قانون پیوند دهنده لایه‌های مختلف جامعه است از این رو نقش و جایگاه مهمی در جامعه دارد. کارکرد اصلی قانون، تنظیم رفتار اعضای یک جامعه است که به طور طبیعی دچار تعارض هستند. نقش قانون صحیح و مبتنی بر اصول انسانی، تعیین حد و مرزها، از بین بردن زمینه اختلاف‌ها، دفع تجاوز متجاوزان و داوری میان انسان‌ها نشان دادن راه تعالی و کمال، ایجاد نظم، برقراری عدالت و فراهم کردن زمینه‌های تکامل انسان است (موسی نوری، ۱۳۸۸). بنابراین در کنار توسعه جامعه شهری اهمیت قانون‌مندی در تنظیم رفتارهای اجتماعی به نحو چشم‌گیری بیشتر می‌شود. یکی از مسائل مهم جامعه شهری ما ضعف در گرایش شهروندان به قانون و قانون-مداری است که این فرایند چند دهه اخیر همچنان ماندگار است (آقائی و مهدوی، ۱۳۹۱: ۱۵۵). بنابراین با توجه به مطالب مطروحه اصلی‌ترین سوالی که پژوهش قصد پاسخ به آن را دارد این است

که احساس حق به شهر شهروندان، چه ارتباطی با قانون‌گرایی آنان دارد؟

پیشینه پژوهش

در این راستا به مهمترین پژوهش‌هایی که تاکنون به بررسی قانون‌گرایی و حق یه شهر پرداخته شده است اشاره‌ای می‌شود:

الیاسی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود "بررسی شیوه‌های آموزش قانون‌گرایی و احترام به حقوق شهروندی با ارتقاء امنیت اجتماعی دانش آموزان" به این نتیجه دست پیدا کردند که بین شهروندی و قانون‌گرایی رابطه وجود دارد. تیمورنژاد و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود "عوامل موثر بر آموزش شهروندی با تاکید بر توسعه پایدار شهری" به این نتیجه دست یافتند که بین آموزش‌های شهروندی و قانون‌گرایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. میر فردی و همکاران (۱۳۹۴) "بررسی تاثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی" به این نتیجه دست یافتند که: بین فرهنگ شهروندی و گرایش به قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین مردان نسبت به زنان قانون‌گراتر هستند. زارع شاه آبادی و ترکان (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان "عوامل قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد" به این نتیجه دست یافتند که بین تحصیلات، جنسیت و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ولی با پایگاه اقتصادی اجتماعی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. حقیقتیان و فرنام (۱۳۹۱) پژوهش را تحت عنوان "بررسی عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی" به انجام رسانیده‌اند نتایج حاصل شده عبارت است از این که: بین قانون‌گرایی و حق شهروندی رابطه وجود دارد همچنین بین متغیرهای جنسیت و قانون‌گرایی رابطه وجود دارد ولی بین تحصیلات، پایگاه طبقاتی و قانون‌گرایی رابطه‌ای وجود ندارد.

رگولسکا^۱ (۲۰۱۷) در پژوهش خود تحت عنوان "زنان و قانون در لهستان، به سوی شهروندی فعال" به این نتیجه دست یافتند که قانون‌گرایی نقش مهمی در حقوق شهروندی زنان دارد. فیلیا و ویلیامز^۲ (۲۰۱۷) در تحقیق خود "دهه اول قرن بیست و

^۱ -Regulska

^۲ -Pillai & Williams

یکم، شهروندی و استقرار قوانین عمومی^۱ به این نتیجه دست یافتند که شهروندی رابطه مستقیمی با اجرای قانون در شهر دارد و در دوران معاصر نمی‌توان شهروندی را از قانون‌گرایی جدا کرد. لی^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان "قانون و توجه به حقوق شهروندی" به این نتیجه رسید که قانون ذاتی حقوق شهروندی است. مکتبی^۲ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان "شهروندی و خانواده، قانون در کویت" به این نتیجه دست یافت که قانون‌گرایی رابطه مستقیمی با حقوق شهروندی بین زنان وجود دارد. فرازر^۳ (۲۰۱۶) در پژوهش خود "قانون و شهروندی در قرن بیست و یکم"، به این نتیجه دست یافت که قانون ابزاری است برای شهروندی دموکراتیک در آمریکا.

همانطور که ملاحظه می‌شود پژوهشی که دقیقاً شبیه موضوع این مقاله باشد پیدا نشد اما بررسی پژوهش‌های مرتبط و نزدیک نشان می‌دهد آگاهی از حقوق شهروندی و یا آموزش حقوق شهروندی و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان با قانون‌گرایی یا قانون‌گریزی رابطه داشته و این متغیرها می‌تواند در تبیین قانون‌گرایی و حقوق شهروندی مورد استفاده قرار گیرد اما هیچکدام از این مطالعات به مفهوم حق به شهر بطور خاص و رابطه آن با قانون‌گرایی پرداخته‌اند که این مقاله متکفل آن می‌باشد.

چارچوب نظری

پارسونز^۴ از جمله نظریه پردازان برجسته جامعه مدنی و حقوق شهروندی است. پارسونز قالب مفهوم شهروندی اجتماعی مدرنیته را، با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی، عام‌گرای، بی‌طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی عرضه می‌کند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۴). بنا به نظر پارسونز

^۱ -Lee

^۲ -Maktabi

^۳ -Fraser

^۴ -Parsons

شهروندان اگر خود را متعلق به شهر بدانند می‌توانند قانون‌گراتر باشند.

دورکیم برای تحلیل نظم اجتماعی، از شاخص قانون استفاده کرده و نوع جامعه را بر حسب نوع قانون، از هم تفکیک کرده است. وی معتقد است نظم اجتماعی در جامعه سنتی، محصول همبستگی مکانیکی از مسیر تشابهات کار کردی از طریق نهاد خانواده و دین است؛ یعنی عمدتاً نظم اجتماعی از طریق عامل سنت به دست می‌آید. همچنین نظم اجتماعی در جامعه مدرن، از طریق توسعه تقسیم کار پیشرفته از طریق وابستگی کار کردی تأمین می‌شود؛ یعنی عمدتاً نظم اجتماعی از طریق استقرار قواعد و مقررات به دست می‌آید (دورکیم، ۱۳۸۷). دورکیم معتقد است در هر دو شکل از جوامع، چه سنتی و چه مدرن، نظم اجتماعی از طریق همبستگی مکانیکی یا ارگانیکی مستقر است. ناهنجاری اجتماعی عمدتاً در جوامعی وجود دارد که در مرحله گذر از نظم قبلی به نظم نوین‌اند، بدین صورت که الزامات و قواعد نظم قبلی، اقتدار و مطلوبیت خود را از دست داده، ولی الزامات و قواعد نظم جدید هنوز مستقر نشده است. با توجه به دیدگاه دورکیم، یکی از دلایل و عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی، می‌تواند کیفیت قوانین و آشنایی شهروندان با قانون باشد (کبیری و رستم زاده، ۱۳۹۶).

هیرشی در نظریه نظریه کنترل اجتماعی پیش فرض را بر این قرار می‌دهد که افراد رفتار کج روانه خواهند داشت، مگر این که کنترل شوند. بر این اساس، ارتکاب رفتار انحرافی به علت فقدان یا ضعف ساز و کارهای کنترل اجتماعی در جامعه است. سازوکارهای کنترل اجتماعی دو نوع دارد: کنترل شخصی و کنترل اجتماعی. عوامل کنترل اجتماعی شامل وابستگی و تعلق به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه و دین است. به زعم هیرشی، وفاقی کلی دربارهٔ هنجارها و ارزش‌ها و باورهای (دینی) رایج در جامعه وجود دارد و کنترل اجتماعی بر مبنای این وفاق اجتماعی انجام می‌شود. براساس این نظریه، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی به پیوند میان فرد و نظم اجتماعی وابسته است و هنگامی که این پیوند ضعیف شود، بزهکاری به طور بالقوه می‌تواند ظاهر شود (ممتاز، ۱۳۸۱). وی معتقد است چهار عنصر اصلی شامل وابستگی به

اجتماع، تعهد، مشغولیت (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی) و اعتقاد و باورداشتن به قواعد اجتماعی، موجبات پیوند فرد و جامعه را فراهم می‌نماید. همچنین، وی معتقد است میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی برای هم‌نوایی با قوانین در نظر نمی‌گیرد (زارع شاه آبادی و ترکان، ۱۳۹۱: ۱۷۰). با توجه به نظریه هیرشی، احساس تعلق داشتن به شهر در جامعه یکی از عواملی است که افراد را به سمت قانون سوق می‌دهد و علاوه بر این از قانون‌گریزی نهی می‌کند. زیرا کسانی که احساس تعلق بیشتری نسبت به شهری که در آن زندگی می‌کنند، بدون شک قوانین موجود در جامعه خود را به بهترین نحو ممکن انجام می‌دهند.

توماس ژانوسکی^۱ در این میان برخی از نظریه پردازان به بسط دیدگاه مارشال پرداختند از دیدگاه ژانوسکی در چند دهه گذشته در رابطه با موضوع شهروندی سه تغییر سیاسی مهم رخ داده است:

۱- مورد تهدید واقع شدن حقوق شهروندی به وسیله برخوردهای فزاینده عمومی و حتی دولتی نسبت به دولت رفاه، ۲- ناتوانی کمونیست‌ها در کنترل اروپای شرقی، و ۳- ادعاهای فزاینده بین‌المللی درباره حقوق شهروندی از سوی مهاجران و پناهندگان سیاسی (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۴). او بر این باور است که بدیهی‌انگاشتن کلمه شهروندی سبب شده تا ما نظریه‌ای جامع در مورد آن نداشته باشیم. وی شهروندی را این‌چنین تعریف می‌کند: «عضویت فعال و منفعل افراد در چارچوب یک دولت - ملت که همراه با حقوق و تعهدهای همگانی در سطح مشخص شده‌ای از برابری است» (ترکمان و فرح پور، ۱۳۸۹: ۱۸) حقوق چهارگانه مدل ژانوسکی به این قرار است:

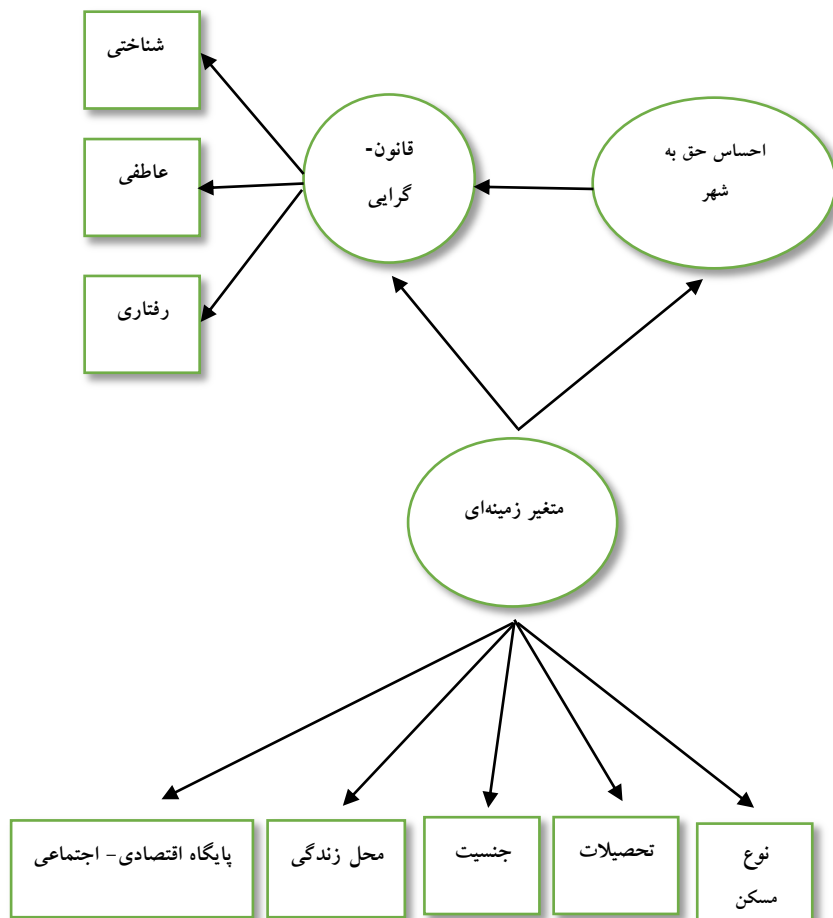
۱- حقوق قانونی ۲- حقوق سیاسی ۳- حقوق اجتماعی ۴- حقوق مشارکت (غفاری نسب و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴).

¹ - Janoski

هاروی^۱ مفهوم حق به شهر را این گونه توضیح می‌دهد: "حق به شهر بسیار فراتر از آزادی فردی برای دسترسی به منابع شهری است، بلکه حق به تغییر شهر برای ایجاد تغییر در خودمان است. این حق پیش از آن که فردی باشد اشتراکی است چرا که این تغییرات نیازمند یک قدرت جمعی برای باز شکل دهی به فرآیندهای شهری است. آزاد ساختن و بازسازی شهر و خودمان به نظر من یکی از ارزشمندترین حقوق بشری است که بسیار مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است (هاروی، ۲۰۰۸: ۲۴). هنری لوفور بر این باور است که حق به شهر از دیدگاهی به تغییرات شهری منجر می‌شود که ماهیت شهروند بودن را به عنوان چالشی مهم پیش روی شهرها قرار داده و شهر را مهم‌ترین لایه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری (مکانی که در آن ارزش اجتماعی فضاهای شهری با ارزش مبادل‌های آن برابری می‌کند) معرفی می‌کند (پورسل، ۲۰۰۲). در گفتار لوفور، شهروند واژه‌ای است که به تمام ساکنان شهر اطلاق می‌شود و دو حق را برای آنها در نظر می‌آورد: حق تملک فضا و حق مشارکت شهری حق مشارکت برای ساکنان شهری این فرصت را فراهم می‌آورد تا در تصمیماتی که منجر به تولید فضای شهری می‌شوند، دخیل باشند. از این رو حق به شهر رویکردی مبتنی بر جامعه، با هدف به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای باز تولید روابط اجتماعی قدرت و حق مشارکت تعریف می‌شود (دیک و گیلبرت، ۲۰۰۲: ۷۰). زیرا، شهر نشینی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که منعکس‌کننده روابط موجود در جامعه به عنوان یک کل است بنابراین نقش فضاهای عمومی در تعریف حق به شهر امری حیاتی است (رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۵: ۳۰). در حقیقت فضای عمومی در شهرها بستر و زمینه‌ای برای نمایش میزان تحقق مفهوم حق به شهر محسوب می‌شوند. حتی می‌توان این گونه بیان داشت که مطابق نظر لوفور هرچه میزان مشارکت و تملک و تخصیص فضا توسط شهروندان در فضاهای عمومی بالاتر باشد به تحقق مفهوم حق به شهر نزدیک‌تر شده‌ایم (فریدمن، ۱۹۹۲: ۷۵). از نظرگاه اخلاقی حق به شهر تعریف حقوق جدیدی نیست، بلکه در حقیقت این رویکرد با اتخاذ زبان حقوق و مسئولیت‌ها در جامعه، در کوشش است به تشریح نقش و حق همیشگی مشارکت شهروندان

^۱ -Harvey

در شکل دهی به زندگی روزمره شهری پردازد (رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۵: ۳۰).



شکل (۱) مدل نظری

فرضیات

- ۱- بین احساس حق به شهر و قانون‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و حق به شهر رابطه وجود دارد.
- ۳- بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و قانون‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین نوع مسکن و حق به شهر رابطه وجود دارد.
- ۵- بین نوع مسکن و قانون‌گرایی رابطه وجود دارد.

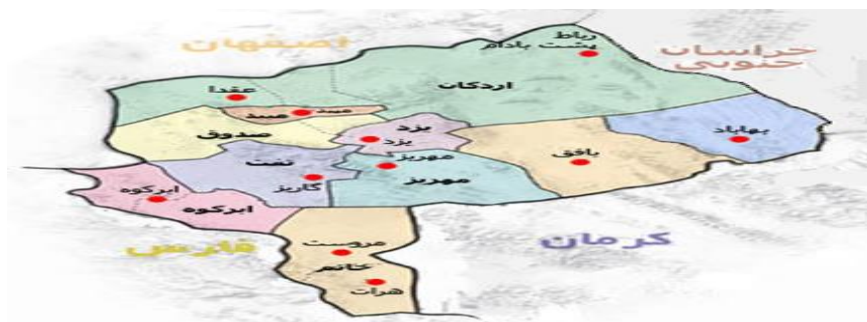
- ۶- بین محل زندگی و حق به شهر رابطه وجود دارد.
- ۷- بین محل زندگی و قانون‌گرایی رابطه وجود دارد.
- ۸- بین (جنسیت، تحصیلات) و حق به شهر رابطه وجود دارد.
- ۹- بین (جنسیت، تحصیلات) و قانون‌گرایی رابطه وجود دارد.

روش شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ روش اجرا، پیمایشی و از نظر زمان پژوهش، مقطعی، به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. جامعه آماری شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد هستند که بر اساس آمار نامه سال ۱۳۹۵، ۴۱۱۰۵۱ نفر بودند. که با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای ۳۶۵ افرادی از آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و با روش نمونه‌گیری سه مرحله‌ای است، به این صورت که در مرحله اول تعداد ۱۰ محله از محلات شهر به شیوه تصادفی انتخاب شدند و در مرحله بعد در داخل محلات به شیوه سیستماتیک خانوارها انتخاب شده و در مرحله سوم در داخل خانوار منتخب یک نفر از افراد بالای ۱۸ سال به تصادف پرسشنامه را تکمیل کرده است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده که اعتبار آن از طریق، اعتبار صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفته است (نگاه کنید به جدول شماره ۱). اطلاعات بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و با آزمون‌های t، پیرسون، f و رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

محدوده مورد مطالعه پژوهش

شهر یزد یکی از شهرستان‌های استان یزد در ۵۴ درجه و ۲۲ دقیقه طول جغرافیایی شرقی و ۳۱ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این شهر از نظر ویژگی‌های اقلیمی جز مناطق گرم و خشک کشور محسوب می‌شود. این شهر بزرگترین واحد استان تاریخی یزد و مرکز اداری آن است. سابقه شهر نشینی در این مکان را به قبل از اسلام، استیلای اسکندر و حتی عصر هخامنشی نسبت می‌دهند (زارع شاه آبادی، ۱۳۸۴: ۶۰).



شکل شماره ۲. موقعیت شهر یزد در استان یزد

یکی از هفت کلانشهر ایران است که با استان‌های خراسان جنوبی، اصفهان، کرمان و فارس در همسایگی قرار دارد. یزد از شهرهای قدیمی ایران و از بهترین نمونه‌های شهرهای کویر به شمار می‌رود.

جدول ۱. ضریب پایایی متغیرها

| متغیر | نمونه گویه | تعداد | پایایی | |
|-------------|---|---|--------|------|
| قانون‌گرایی | به نظر من حق افرادی با موقعیت اجتماعی من در شهر پایمال می‌شود-حقوق شهروندان در اقسار مختلف به یک اندازه پاس داشته نمی‌شود | ۵ | ۰/۷۵ | |
| | شناختی | به تجربه فهمیده‌ام هرگاه قانون را رعایت نمی‌کنم کارها راحت‌تر انجام می‌شوند-رعایت قانون باعث می‌شود تا راحت‌تر به حقوق خود برسم . | ۳ | ۰/۷۳ |
| | عاطفی | احساس می‌کنم هر وقت قانون را رعایت کرده‌ام از دیگران عقب مانده‌ام-احساس می‌کنم هر وقت قانون را رعایت کرده‌ام از دیگران عقب مانده‌ام | ۳ | ۰/۷۲ |
| رفتاری | ترجیح می‌دهم در صف اتوبوس نوبت را رعایت کنم-همیشه دیگران را به رعایت قانون تشویق می‌کنم | ۳ | ۰/۷۳ | |

حق به شهر

لوفور حق به شهر را " درخواست برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری " می‌داند(کافمن و لباس، ۱۹۹۶:۱۵۸) به گفته وی حق تولید فضای شهری توسط خود ساکنان شهری و مشارکت در اموری است که زندگی روزمره آن‌ها را شکل می‌دهد . درواقع حق به شهر یکی از حقوق فراموش شده‌ای است که ساکنان شهری و به ویژه

اقتدار کم درآمد و فقیر شهر از آن محروم شده و خود نیز نسبت به آن بی‌توجه‌اند، شاید به این دلیل که همواره این فکر رواج یافته که زندگی شهری همین چیزی است که نظام سرمایه‌داری و حکومت‌ها برای آن‌ها ایجاد کرده‌اند و به این نحوه زندگی به مثابه تنها گزینه عادت کرده‌اند (ایران دوست و دوست‌وندی، ۱۳۹۳: ۱۸۵). حق به شهر به چالش کشیدن خودمان از طریق تغییر شهر است. حق آزادی ساختن و بازسازی شهرها و خودمان یکی از با ارزش‌ترین و در عین حال نادیده گرفته شده‌ترین حقوق انسانی است (هاروی، ۲۰۰۸: ۲۴).

قانون‌گرایی

قانون‌گرایی به منزله پذیرش منطق قانون است و رفتاری است که از موافقت با قوانین رسمی جامعه منتج می‌شود. قانون‌گرا نیز کسی است که آگاهانه و از روی اختیار، به قوانین رسمی جامعه احترام می‌گذارد و آن را اجرا می‌کند (زارع شاه آبادی و ترکان، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

یافته‌ها

۱۰/۱ درصد پاسخگویان در گروه سنی زیر ۲۰ سال، ۳۳/۲ درصد در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال، ۲۸/۸ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۵/۳ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۱۰/۷ درصد هم در گروه سنی ۵۰ سال به بالا قرار داشتند و ۱/۹ درصد هم سن خود را گزارش نکرده‌اند. کمترین سن ۱۸ سال و بیشترین سن ۷۳ سال است. ۵۰/۷ درصد از پاسخگویان زنان و ۴۹/۳ درصد مردان می‌باشند. ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۲/۷ درصد متأهل، همچنین زنان مجرد ۶۱ درصد و زنان متأهل ۴۴/۵ درصد، مردان مجرد ۳۹ درصد و مردان متأهل ۴۹/۳ درصد را تشکیل داده‌اند. ۴۰/۵ درصد پاسخگویان غیر شاغل و ۵۹/۲ درصد نیز شاغل و ۰/۳ درصد هم پاسخی به این سوال نداده‌اند. که از این بین زنان شاغل ۳۵/۳ درصد و زنان غیر شاغل ۶۴/۷ درصد، همچنین

مردان شاغل ۸۳/۹ درصد و مردان غیر شاغل ۱۶/۱ درصد می‌باشند. ۳۸/۹ درصد بیکار، ۱۳/۴ درصد شغل‌های سطح پایین، ۳۹/۲ درصد شغل‌های متوسط، ۴/۱ درصد شغل‌های متوسط بالا، ۱/۴ درصد شغل‌های سطح بالا می‌باشند. ۸۷/۹ درصد پاسخگویان بومی یزد و ۱۱/۵ درصد نیز غیر بومی یزد بودند و میزان ۰/۵ درصد هم پاسخی نداده‌اند. ۶۹ درصد پاسخگویان مالکیت مسکن‌شان به صورت شخصی، ۲۰/۸ درصد استیجاری، ۲/۲ درصد سازمانی، ۶/۸ درصد رهن و ۰/۳ درصد هم به این سوال پاسخی نداده‌اند.

جدول ۲. حداقل، حداکثر، میانگین و... متغیرها

| متغیر و ابعاد | حداقل | حداکثر | انحراف معیار | میانگین | میانگین نظری |
|-----------------|--------|--------|--------------|---------|--------------|
| احساس حق به شهر | ۵ | ۲۵ | ۳/۸۷ | ۱۳/۵۷ | ۱۵ |
| قانون‌گرایی | شناختی | ۱۵ | ۲/۸۴ | ۸/۸۶ | ۹ |
| | عاطفی | ۱۵ | ۲/۵۹ | ۹/۶۵ | ۹ |
| | رفتاری | ۱۵ | ۲/۶۹ | ۱۰/۲۹ | ۹ |
| | کل | ۹ | ۴۵ | ۲۷/۷۶ | ۲۹ |

با توجه به جدول فوق میانگین کل احساس حق به شهر برابر با ۱۳/۵۷ است و این نشان می‌دهد که احساس حق به شهر شهروندان شهر یزد از حد متوسط پایین‌تر است همچنین میانگین قانون‌گرایی برابر با ۲۷/۷۶ می‌باشد که آن نیز از حد متوسط پایین‌تر بوده است.

| پایگاه | قانون‌گرایی | | | بعد شناختی | | | بعد عاطفی | | | بعد رفتاری | | | حق به شهر | |
|--------|-------------|---|-----|------------|---|-----|-----------|------|------|------------|------|-------|-----------|------|
| | میانگین | F | sig | میانگین | F | sig | میانگین | F | sig | میانگین | F | sig | F | sig |
| بالا | ۳۱/۶۰ | | | ۱۰/۸۰ | | | ۱۰/۸۰ | | | ۱۰/۸۰ | | | ۱۴/۸۰ | ۰/۴۹ |
| متوسط | ۲۹/۴۰ | | | ۹/۶۶ | | | ۱۰/۸۰ | ۰/۵۰ | ۰/۸۳ | ۰/۱۲ | ۱/۸۴ | ۱۳/۴۶ | ۰/۸۴ | |
| بالا | | | | ۸/۹۳ | | | ۱۰/۸۰ | | | | | ۱۳/۵۴ | | |
| متوسط | ۲۹/۴۰ | | | ۹/۸۷ | | | ۱۰/۶۶ | | | | | ۱۳/۵۴ | | |
| پایین | ۲۶/۸۷ | | | ۷/۵۳ | | | ۱۰/۰۶ | | | | | ۱۲/۶۷ | | |

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۳. سطح معنی‌داری قانون‌گرایی شهروندان (۰/۱۹) و احساس حق به شهر آنان (۰/۴۹) بوده که از لحاظ آماری بین این دو متغیر و پایگاه اقتصادی اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بعد شناختی در طبقات بالا با میانگین ۱۰، متوسط بالا ۸/۹۳، متوسط ۸/۹۰ و پایین ۷/۵۳، تفاوت معنی‌داری را با طبقات

اقتصادی- اجتماعی نشان می‌دهد. با توجه به جدول فوق این رابطه فقط در بعد شناختی تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد و در بقیه ابعاد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج آزمون F (ANOVA)- بین نوع مسکن و ناحیه شهری با (احساس حق به شهر-

قانون‌گرایی)

| Sig | F | توکی | انحراف معیار | میانگین احساس حق به شهر | نوع مسکن |
|------|------|--------------|-------------------------|-------------------------|----------|
| ۰/۰۱ | ۳/۶۷ | - | ۲/۸۷ | ۱۴/۵۰ | سازمانی |
| | | ۰/۰۰ | ۳/۷۷ | ۱۳/۸۷ | شخصی |
| | | - | ۳/۸۱ | ۱۳/۲۸ | استیجاری |
| | | ۰/۰۰ | ۴/۶۸ | ۱۱/۳۲ | رهن |
| | | - | ۳/۸۷ | ۱۳/۵۸ | کل |
| Sig | F | توکی | انحراف معیار | میانگین قانون‌گرایی | نوع مسکن |
| ۰/۰۰ | /۶۵ | ۰/۰۰ | ۶/۷۷ | ۲۹/۳۵ | استیجاری |
| | | - | ۵/۶۵ | ۲۹/۲۵ | سازمانی |
| | | ۰/۰۰ | ۶/۶۷ | ۲۹/۰۵ | شخصی |
| | | ۰/۰۰ | ۷/۶۹ | ۲۳/۹۲ | رهن |
| | | - | ۶/۸۵ | ۲۸/۷۷ | کل |
| Sig | F | انحراف معیار | میانگین احساس حق به شهر | محل زندگی | |
| ۰/۰۳ | ۳/۰۱ | ۳/۷۵ | ۱۳/۷۹ | ناحیه ۱ | |
| | | ۴/۰۵ | ۱۳/۰۵ | ناحیه ۲ | |
| | | ۳/۳۶ | ۱۴/۲۵ | ناحیه ۳ | |
| | | ۴/۱۲ | ۱۵/۴۷ | ناحیه ۴ | |
| | | ۳/۸۹ | ۱۳/۶۰ | کل | |
| Sig | F | انحراف معیار | میانگین قانون‌گرایی | محل زندگی | |
| ۰/۰۰ | ۴/۳۱ | ۶/۴۴ | ۲۹/۲۸ | ناحیه ۱ | |
| | | ۷/۳۵ | ۲۷/۶۲ | ناحیه ۲ | |
| | | ۵/۲۹ | ۳۱/۳۷ | ناحیه ۳ | |
| | | ۸/۲۸ | ۲۸/۴۷ | ناحیه ۴ | |
| | | ۶/۹۳ | ۲۸/۷۸ | کل | |

در جدول شماره ۴. به بررسی رابطه بین نوع مسکن و احساس حق به شهر پرداخته شده است، نتایج حاصله از جدول بیان می‌کند که رابطه معنی‌داری بین ($P \geq 0/01$) نوع مسکن و حق به شهر وجود دارد. همچنین با توجه به ضریب F ($3/67$) رابطه معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. همچنین به بررسی رابطه نوع مسکن و قانون‌گرایی پرداخته شده است. نتایج حاصله از جدول بیان می‌کند که رابطه معنی‌داری ($P \geq 0/001$) بین نوع مسکن و قانون‌گرایی وجود دارد. با توجه به ضریب F ($4/65$) رابطه معنی‌داری بین دو متغیر وجود دارد. با توجه به نتایج حاصل شده از جدول فوق هر دو فرضیه تایید می‌شوند. همچنین نتایج حاصله از آزمون توکی، اختلاف میانگین افراد که مسکن شخصی، استیجاری و رهن دارند معنی‌دار است. بنابراین بین برخی از انواع مسکن (شخصی، رهن) و قانون‌گرایی و احساس حق به شهر تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در ادامه جدول فوق به بررسی بین محل زندگی و قانون‌گرایی و احساس حق به شهر پرداخته. نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری بین محل زندگی و احساس حق به شهر برابر با ($0/05 \geq 0/03$) بوده و ضریب F بدست آمده برابر با ($3/01$) است. همچنین رابطه بین محل زندگی و قانون‌گرایی با سطح معنی‌داری ($0/05 \geq 0/00$) و ضریب F ($4/31$) معنی‌دار است.

جدول ۵. آزمون t بین جنسیت، حق به شهر و قانون‌گرایی

| گروه | میانگین قانون‌گرایی | انحراف معیار | T | sig |
|------|---------------------|--------------|------|------|
| زن | ۲۸/۶۹ | ۷/۰۴ | ۰/۱۹ | ۰/۲۷ |
| | ۲۸/۸۳ | ۶/۶۶ | | |
| مرد | ۱۳/۶۳ | ۳/۹۵ | ۰/۲۹ | ۰/۴۴ |
| | ۱۳/۵۱ | ۳/۸۰ | | |

نتایج حاصل شده در جدول فوق بیانگر این است که در هیچ کدام یک از متغیرهای مورد نظر رابطه معنی‌داری با جنسیت مشاهده نگردید ($0/05 \leq$) از همین جهت رابطه بین جنسیت و متغیرهای پژوهش (احساس حق به شهر و قانون‌گرایی) تایید نمی‌شود.

جدول ۶. ماتریس همبستگی متغیرها و ابعاد آن‌ها

| متغیر | ضریب | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ |
|-------------------|--------|-------|--------|-------|--------|--------|---|
| ۱-احساس حق به شهر | پیرسون | ۱ | | | | | |
| ۲-قانون‌گرایی | پیرسون | ۰/۴۵* | ۱ | | | | |
| ۳-شناختی | پیرسون | ۰/۴۳* | ۰/۸۵* | ۱ | | | |
| ۴-عاطفی | پیرسون | ۰/۳۴* | ۰/۸۷* | ۰/۶۷* | ۱ | | |
| ۵-رفتاری | پیرسون | ۰/۳۵* | ۰/۷۹* | ۰/۴۸* | ۰/۵۵* | ۱ | |
| ۶-تحصیلات | پیرسون | ۰/۱۱* | ۰/۰۹** | ۰/۱۱* | ۰/۰۶** | ۰/۰۶** | ۱ |

*نکته: همبستگی در سطح معنی‌داری نیست ($P \geq 0.05$)، ($n=365$).

**نکته: همبستگی در سطح معنی‌داری است ($P \leq 0.05$)، ($n=365$).

با توجه به ماتریس همبستگی فوق بین احساس حق به شهر و قانون‌گرایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، همچنین بین حق به شهر و ابعاد قانون‌گرایی (شناختی، عاطفی و رفتاری) نیز رابطه مثبت و معنی‌دار است. به این صورت که با افزایش حق به شهر ما با افزایش قانون‌گرایی در همه ابعاد روبرو خواهیم بود. از سوی دیگر بین تحصیلات و احساس حق به شهر نیز، رابطه مثبت و معنی‌داری حاصل شد به این معنی که با افزایش میزان تحصیلات شهروندان، احساس حق به شهر آنان نیز بالا می‌رود، بین تحصیلات و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری حاصل نشد، گرچه فقط در بعد شناختی قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری بدست آمد.

برای مشخص شدن سهم تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. همانطور که نتایج حاصله از جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، حق به شهر با بتای ۰/۴۵ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰ بیشترین تاثیر را بر روی متغیر وابسته گذاشته است. همچنین ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر قانون‌گرایی برابر با $R=0.45$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۰ بدست آمده است و این ضریب بیانگر آن است که ۲۰ درصد از واریانس متغیر قانون‌گرایی را تبیین می‌کند. همچنین مدل

رگرسیون‌ی تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس، خطی و معنادار است، زیرا مقدار آزمون F برای تبیین معناداری اثر متغیرهای مستقل بر قانون‌گرایی برابر با ۹۱/۶۸ و سطح معناداری ۰/۰۰ می‌باشد.

جدول ۷. مدل رگرسیون گام به گام

| sig | t | ضرایب استاندارد | ضرایب خام | | متغیر |
|------|-------|------------------|-----------|-------|-----------------|
| | | Beta | Std.Error | B | |
| ۰/۰۰ | ۱۵/۲۲ | - | ۱/۱۸ | ۱۷/۹۶ | مقدار ثابت |
| ۰/۰۰ | ۹/۵۷ | ۰/۴۵ | ۰/۰۸ | ۰/۸۰ | احساس حق به شهر |
| sig | F | Adjusted -Square | | R | |
| ۰/۰۰ | ۹۱/۶۸ | ۰/۲۰ | | ۰/۴۵ | |

بحث و نتیجه گیری

شهرها به عنوان مراکز سکونتی دارای کالبد و کارکردهای متفاوتی هستند. شکل‌گیری عناصر کالبدی در شهرها و ایفای نقش‌های متعدد نیز به وسیله بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی رقم می‌خورد. شکل‌بندی و نقش‌دادن به بازیگران متفاوت عرصه شهری از جمله دولت، مردم، نهادهای مدنی و قانون‌گذار و مانند آن باعث شده است تا وظایف و تکالیف متقابل و دوسویه بین شهروندان و اداره‌کنندگان امور در سطوح ملی و محلی پدید آید (صرافی و عبدالهی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

بر اساس نتیجه حاصله از آزمون فرضیات بین احساس حق به شهر و قانون‌گرایی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد، به این معنی که با افزایش احساس حق به شهر در بین شهروندان، میزان قانون‌گرایی آنان نیز افزایش مثبتی پیدا می‌کند. نتایج این فرضیه با نتایج الیاس و همکاران (۱۳۹۵)، تیمور نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۴)، حقیقتیان و فرنام (۱۳۹۱)، رگولسا (۲۰۱۷)، فیلیا و ویلیامز (۲۰۱۷)، لی (۲۰۱۷)، مکتبی (۲۰۱۶)، فرازر (۲۰۱۶) همسو بوده. نتایج تحلیل داده‌های آماری پژوهش بیان‌کننده آن است که میزان قانون‌گرایی مردان اندکی بیشتر از زنان است، هر چند تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری بین

دو جنس زن و مرد مشاهده نگردید. که با نتایج پژوهش‌های میرفردی و همکاران (۱۳۹۴) همسو بوده و با نتایج حقیقتیان و فرنام (۱۳۹۱) همسو نبوده است. از دیگر نتایج این پژوهش این بود که بین جنسیت و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد، که با یافته‌های پژوهش زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱) همسو بوده و با نتایج مکتبی (۲۰۱۶) و حقیقتیان و فرنام (۱۳۹۱) نیز همسو نبوده است.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین تحصیلات و قانون‌گرایی همبستگی معنی‌داری مشاهده نگردید به این معنی که بالا رفتن تحصیلات ارتباطی با میزان قانون‌گرایی افراد ندارد، (گرچه این همبستگی در بعد شناختی معنی‌دار بود) که با نتایج زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱)، حقیقتیان و فرنام (۱۳۹۱) همسو بوده. همچنین نتایج نشان داد که پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و قانون‌گرایی رابطه معنی‌داری ندارد (این رابطه نیز در بعد شناختی معنی‌دار و مثبت بوده) که با نتایج زارع شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱) همسو نبوده و با نتایج حقیقتیان و فرنام (۱۳۹۱) همسو بوده است. در مجموع با توجه به ضرایب بتای استاندارد شده ملاحظه می‌شود که، احساس حق به شهر با مقدار $\beta = 0.45$ ، بیشترین تاثیر را بر روی قانون‌گرایی داشته و واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل توانسته ۲۰ درصد از واریانس قانون‌گرایی را تبیین کند.

همچنین با توجه به یافته‌های فرضیه رابطه بین محل زندگی و حق به شهر، همانطور که مشاهده می‌کنیم، افرادی که در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند احساس حق به شهر بیشتری نسبت به دیگر شهروندان دارند، به نظر می‌رسد از آنجا که اغلب این افراد کسانی هستند که وابسته به امور دولتی و کارمندان دولت می‌باشند احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت به شهری که در آن زندگی می‌کنند دارند. از طرف دیگر در رابطه بین قانون‌گرایی و نوع مسکن، میانگین مسکن‌های استیجاری و سازمانی از دیگر مالکیت مسکن بیشتر است. از طرف دیگر در فرضیه رابطه بین محل زندگی و حق به شهر افرادی که در ناحیه شهری بالاتری زندگی می‌کنند، احساس بیشتری نسبت به شهر خود دارند، این نتیجه حاصل این است که این افراد از وضعیت مالی بهتری برخوردار هستند

و به همین دلیل احساس حق به شهر بیشتری نسبت به سایر ناحیه‌های شهری دارند. افرادی که در ناحیه‌های پایین‌تر قرار دارند قوانین را بیشتر رعایت می‌کنند و بیشتر قانون‌گرا هستند. از سوی دیگر افرادی که در ناحیه‌های بالای شهری زندگی می‌کنند از خدمات شهری مناسب‌تر و بهتری برخوردار هستند به همین جهت احساس مطلوب‌تری نسبت به شهر دارند.

پیشنهادات

با توجه به این که حق به شهر شهروندان یزدی از حد متوسط پایین‌تر بوده، پیشنهاد می‌شود که فعالیت تشکل‌ها و انجمن‌های اجتماعی می‌تواند زمینه رشد لازم برای آگاهی افراد از حقوق شهری را فراهم آورده و در حقیقت این امر زمینه مشارکت و همبستگی اعضا را گسترش می‌دهد و موجبات قانون‌گرایی آنان را فراهم می‌کند. با توجه به نتیجه حاصله از تحقیق مبنی بر رابطه معنی‌دار بین حق به شهر و قانون‌گرایی، پیشنهاد می‌شود مجموعه‌ای از آموزش‌هایی که به تقویت و نهادینه شدن آموزه‌های شهروندی کمک می‌کند اجرایی گردد، چرا که یکی از بهترین راه‌هایی که باعث می‌شود احساس حق به شهر افراد در جامعه افزایش پیدا کند آگاهی و اطلاع‌رسانی و آموزش افراد در زمینه معیارهای حقوق شهروندی و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه است، که به مراتب آن قانون‌گرایی در جامعه افزایش پیدا خواهد کرد. چرا که شهروندی از آن دسته مفاهیمی است که با مسئولیت‌پذیری، حس تعلق، فرهنگ مشارکت و تقویت دگر خواهی می‌شود.

منابع

- آقایی، هادی، مهدوی، سید صادق (۱۳۹۱). بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی تبریز)، فصلنامه دانش انتظامی، سال چهاردهم، شماره دوم، صص ۱۵۱-۱۸۶.
- الیاسی، امیر، میرزاجانی، عباس، کریمی، محمد، نوری، حسین (۱۳۹۵). بررسی شیوه‌های

- آموزش قانونگرایی و احترام به حقوق شهروندی با ارتقاء امنیت اجتماعی دانش‌آموزان (مطالعه موردی: دبیران مدارس مقطع متوسطه شهر قزوین)، کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه مشاوره، خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۱-۱۲.
- ایران دوست، کیومرث، دوست وندی، میلاد. (۱۳۹۴) "حق به شهر و سکونت گاه های فقیر نشین با تاکید بر سکونت گاه های خود انگیخته شهری در ایران"، فصلنامه شهرسازی و معماری هفت شهر، شماره ۴۹ و ۵۰، دوره ۴، صص ۱۸۴-۲۰۵.
- ترکمان، فرح. بهمن پور، سکینه (۱۳۸۹). "نقش شهروندی بر اساس کتابهای علوم اجتماعی دوره دبیرستان، فصلنامه علوم رفتاری (ابهر)، شماره ۳، صص ۱-۲۲.
- توسلی، غلام عباس، نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۲-۶۲.
- تیمور نژاد، کاوه، یوزباشی، علیرضا، ابراهیمی، مجید (۱۳۹۴). عوامل موثر بر آموزش شهروندی با تاکید بر توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه شهرداری زنجان)، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۵، صص ۷۹-۹۲.
- جلائی، نساء، دیندار سنگجویی، حوریه (۱۳۹۴). حق به شهر حقی برای زیستن بهتر و یک ضرورت، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت، صص ۱-۱۲.
- حقیقتیان، منصور، فرنام، محمد (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی، فصلنامه مطالعات شهری، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۱۴-۱۷۱.
- دورکیم، امیل. (۱۳۷۸) خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- رفیعیان، مجتبی، الوندی پور، نینا (۱۳۹۵). مفهوم پردازی اندیشه حق به شهر، در جستجوی مدلی مفهومی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۲۵-۴۷.
- زارع شاه آبادی، اکبر، ترکان، رحمت الله (۱۳۹۱). عوامل قانون گرایی شهروندان در شهر یزد، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۱۵۹-۲۰۵.
- زارع شاه آبادی، علیرضا (۱۳۸۲). نقش مهاجران عراقی ساکن شهر یزد در مورد آسیب اجتماعی در شهر، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲، صص ۵۷-۷۲.
- شارع پور، محمود، علیوردی نیا، اکبر، شعبانی، مریم (۱۳۹۵). بررسی میزان آگاهی از حقوق و مسئولیت های شهروندی نسبت به امور شهری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، فصلنامه

- مطالعات جامعه‌شناسی شهری، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۱-۲۲.
- صرافی، مظفر، عبدالهی، مجید (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۱۵-۱۳۴.
- علمی، محمود (۱۳۸۵). بررسی عوامل موثر بر قانون‌گرایی شهروندان تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات علوم انسانی.
- غفاری نسب، اسفندیار، قاسمی نژاد، محمدعلی و سید ابراهیم مساوات (۱۳۹۵). "پژوهش جامعه‌شناختی فرهنگی شهروندی و هویت ملی مطالعه موردی: زنان شهر فیروز آباد"، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۶۶، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- کبیری، افشار، رستم زاده، امین (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت قانون‌گرایی در بین دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های ارومیه)، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۳۱۸-۳۳۶.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دوم، شماره ۴، صص ۱-۲۳.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- موسی نوری، محمد (۱۳۸۸). قانون‌گرایی در سیره پیامبر اعظم (ص)، انجمن علمی پژوهشی تاریخ وابسته به آموزش عالی فقه.
- میرفردی، اصغر، مختاری، مریم، فرجی، فروغ، دانش‌پذیر، هومن (۱۳۹۴). بررسی تاثیر فرهنگ شهروندی بر میزان گرایش به قانون‌گریزی (مورد مطالعه شهر یاسوج)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم صص ۱-۲۰.
- نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۹). شهروندی شهری: از نشریه تا سیاست شهری و تجربه فرهنگی، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره سوم، صص ۱۶۰-۱۳۶.
- Dikeç, M., & Gilbert, L. (2002), **Right to the city: homage or a new societal ethics? *Capitalism Nature Socialism*, 59-74.**

- Dikeç, M., & Gilbert, L. (2002), Right to the city: homage or a new societal ethics? *Capitalism Nature Socialism*, 59-74.
- Fenster, T. (2005). Identity issues and local governance: Women's everyday life in the city. *Social Identities*, 11(1), 21-36.
- Fraser, D. (2016). The Blood Libel in North America: Jews, Law, and Citizenship in the Early 20th Century. *Law & Literature*, 28(1), 33-85.
- Friedmann, J. (1992), The right to the city. *Society and Nature: The international Journal of Political Ecology*, 1(1), 71-84.
- Harvey, D. (2008), Debates and developments: the right to the city, *International Journal of Urban and Regional*, 27(4), 939-941.
- Harvey, D. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. Verso books.
- Irandost, K, Dostvandi, M. (2015). Right to the city and the impoverished settlements with an emphasis on urban spontaneous settlements in Iran, *Seventh Quarterly Journal*, No. 49, pp. 184-205. (In Persian)
- Khodayarimotlagh, S, Sharepour, M, Tavallaei N. (2017). "Investigating the Effect of Indicators of Urban Space Desirability on the Realization of the Right to the City (Case Study: Babolsar City)", *Sociology of Social Institutions Quarterly*, No. 4, pp. 189-225. (In Persian)
- Kofman, E. & Lebas, E. (1996). *Writing on cities*. Oxford: Blackwell Publisher.
- Lee, D. (2017). "*Because our law is our law*": *considering Anishinabek citizenship orders through adoption narratives at Fort William First Nation*, A Thesis submitted to the Faculty of Graduate Studies of the University of Manitoba in partial fulfillment of the degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY, Department of Native Studies, University of Manitoba Winnipeg.
- Maktabi, R. (2016). Female Citizenship and Family Law in Kuwait and Qatar Globalization and Pressures for Reform in Two Rentier States. *Nidaba*, 1(1), 20-34.
- Pillai, S., & Williams, G. (2017). Twenty-first Century Banishment: Citizenship Stripping in Common Law Nations. *International & Comparative Law Quarterly*, 66(3), 521-555.

- Purcell, M. (2002), Excavating Lefebvre: the right to the city and its urban politics of the inhabitant, *Geojournal*, 99-108.
- Regulska, J. (2017). Women and the Law in Poland: Towards Active Citizenship. **In *Women and Citizenship in Central and Eastern Europe*** (pp. 55-76). Routledge.
- Zareshahabadi, A. (2005). The Role of Iraqi Immigrants Residing in Yazd City on Social Damage in the City, ***Geography and Development Quarterly***, No. 2, pp. 57-72.

